■ سال بیست و نهم ■ شماره ۸۱۱۰ ■ یکشنبه ■ ۲ بهمن ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۶ | اذان مغرب ۱۷/۴۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۲ | اذان صبح فردا ۵/۴۳ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۱

سخن روز

حضرت محمد(ص):
پُرارج‌ترین مردم کسی است که آنچه را به او مربوط نیست رها کند.

نهج الفصاحه ص۶۸

چرا سینمای ایران از ایجاد «روحیه علم‌گرایی» غفلت می‌کند؟

رضاپورحسین: یک نکته درباره جشنواره چهل و یکم، کاهش «تلخ‌گرایی» درباره مسائل رایج اجتماعی است. ببینید وظیفه فیلمساز انعکاس مسائل جامعه خویش و حتی جامعه جهانی است. این انعکاس اگر «واقع‌گرایانه» باشد، مأموریت به خوبی انجام می‌شود؛ اما دوری از واقع‌گرایی و القای جامعه‌ای چرک و سیاه، منصفانه نیست. این همان «قضاوتی» است که به دور از انصاف است و موجب یأس در مخاطبان خواهد شد. «گشتالت» و برآیند سینما «امید و پیشرفت» به سوی «افق»هاست، فیلمساز می‌تواند واقع‌گرا باشد، مسائل منفی اجتماعی را به خوبی مطرح کند، آسیب‌های اجتماعی را بیان نماید؛ اما حق ندارد هیجانات شخصی خود را به گونه‌ای بروز دهد که گردی از افسردگی و ناامیدی را بر سر جامعه بیفشاند. نکته دیگر کمبود فیلم‌هایی است که مؤید گفتمان‌های رایج کشور است. ملاحظه کنید، «گفتمان علمی» عامل اصلی پیشرفت و اقتدار امروز ایران اسلامی است. پیشرفت‌های ما درحالی است که در چندین باشگاه علمی «های تک» وارد شده‌ایم. در این موضوع، جهان به دیده تحسین به پیشرفت‌های «علمی و فناورانه» ما نگاه می‌کند، اما متأسفانه خودمان آن را منعکس نمی‌کنیم و با هزاران تأسف گاهی شاهد «خود تحقیری» و «خود تخریبی» نیز هستیم. چرا سینمای ما از ایجاد «روحیه علم گرایی» غفلت می‌کند؟ مایه علمی آن کم است، یا دغدغه آن کمینه است؟

بخشی از یادداشت عضو هیأت انتخاب جشنواره فیلم فجر در سایت خبری این رویداد

هیچ کس به آدمی چیزی نمی‌دهد مگر خود او!
و هیچ کس چیزی از آدم دریغ نمی‌دارد مگر خود او!
بازی زندگی یک بازی انفرادی است.
اگر خودتان عوض شوید همه اوضاع و شرایط عوض خواهد شد.

چهار اثر/ فلورانس اسکاول شین

نـــگاره
حمید صوفی

آموزش شهروندی

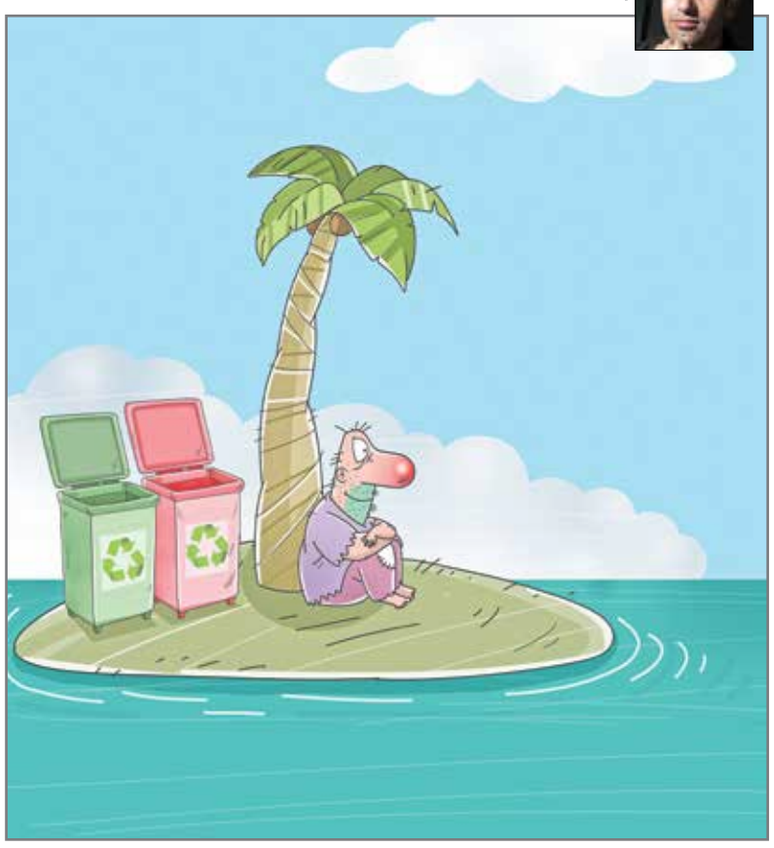

جنگ روایت‌ها و مایی که در میدان نیستیم

یادداشت

الهام عابدینی
پژوهشگر روابط بین‌الملل

دو ماه بعد از حمله عراق به کویت در ۱۹۹۰، دختری ۱۵ ساله به نام نیره در کنگره امریکا حاضر شد و علیه جنایت‌های عراق شهادت داد. نیره در حالی که نمی‌توانست جلوی اشک‌هایش را بگیرد گفت شاهد بوده سربازان عراقی نوزادان را از انکوباتورهای بیمارستانی کویت بیرون می‌کشند، دستگاه‌های انکوباتور را برمی‌دارند و نوزادان را می‌گذارند تا بمیرند. شهادت نیره آنقدر تأثیرگذار بود که روزها شبکه‌های تلویزیونی امریکایی آن را بارها و بارها پخش کردند و جورج بوش پدر، رئیس‌جمهور وقت امریکا هم چندبار هنگام سخنرانی علیه عراق به همان صحبت‌های نیره اشاره کرد. میلیون‌ها امریکایی پا به پای نیره اشک ریختند و نمی‌دانستند نیره در واقع «نیره الصباح» است؛ دختر سفیر کویت در امریکا. امریکا با استناد به همین شهادت و صحبت‌ها، افکارعمومی را برای ورودش به جنگ خلیج فارس آماده کرده بود. سال ۱۹۹۲ پس از پایان جنگ و آزادسازی عراق، سازمان عفو بین‌الملل که اتفاقاً در ابتدا صحت ماجراهای نیره را تأیید کرده بود گفت متوجه شدند که این داستان درست نبوده و حتی دولت بوش را به «دستکاری فرصت طلبانه جنبش بین‌المللی حقوق بشر» متهم کرد. این ماجرا به یکی از بزرگترین پروپاگانداها در تاریخ مدرن بدل شد. به سال ۲۰۰۳ و آن روزی برویم که کالین پاول، وزیر امور خارجه وقت امریکا در شورای امنیت سازمان ملل سخنرانی کرد. سخنرانی ای که خودش سال‌ها بعد گفت، لکه ننگی در کارنامه‌اش است. کالین پاول شیشه‌ای حاوی پودری سفیدرنگ نشان داد و گفت عراق سلاح کشتار جمعی دارد. این سخنرانی به حدی همه حاضران و مردم را تحت تأثیر قرار داد که دیگر هیچ کس تردیدی برای آغاز جنگ علیه عراق نداشت. جنگی که هزاران کشته و میلیون‌ها آواره برجا گذاشت و هنوز هم پیامدهای جدی آن برای مردم عراق و مردم منطقه باقی مانده است.

شاید عبارت «تأثیر سی‌ان‌ان» را شنیده باشید که در واقع به تأثیر رسانه‌های جمعی در تصمیم‌گیری سیاستمداران و توجیه افکار عمومی اشاره دارد. یکی از بزرگترین تأثیرهای آن در سال ۱۹۹۲است، زمانی که ناتو وارد جنگ بوسنی شد. از همان زمان گفته می‌شود که در واقع این شبکه سی‌ان‌ان بود که ناتو را به این جنگ کشاند. نقل قولی می‌خواندم که سی‌ان‌ان یا به عبارتی رسانه‌های جریان اصلی در واقع عضو شانزدهم شورای امنیت سازمان ملل هستند و تا این حد در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر هستند. البته این رابطه یک‌سویه نیست و به‌صورت طبیعی، رسانه‌هایی که بویژه وابستگی دولتی دارند، در راستای اقناع افکار عمومی در جهت تصمیم دولتمردان گام برمی‌دارند. کما اینکه در مورد مشارکت انگلیس در جنگ علیه عراق نیز بی‌بی‌سی عمدتاً چنین نقشی ایفا کرد و در واقع تصمیم تونی بلر، نخست‌وزیر وقت را برای شرکت در جنگ توجیه می‌کرد. سال ۲۰۱۷، جان چیلکات مسئول تحقیق درباره حضور انگلیس در جنگ عراق گفت تونی بلر درباره تصمیمش برای آغاز این جنگ، با مردم صادق و روراست نبود. این‌ها را نوشتم تا به رأی مثبت پارلمان اروپا برای قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی برسم. ۵۹۸ نماینده پارلمان اروپا به این طرح رأی مثبت داده بودند. من این تصمیم را بیش از آنکه تصمیمی سیاسی و مبتنی بر برنامه‌ریزی بدانم، تصمیمی همسو با روایت رسانه‌های جریان اصلی می‌دانم. رسانه‌های جریان اصلی که تجمع پر از شکاف با ده شکل پرچم از فارسی زبانان ساکن در برلین ولس آنجلس را گسترده پوشش می‌دهند و حضور میلیونی در آیین تشییع سردار سلیمانی و حضور گسترده مردم در حمایت از تمامیت ارضی و امنیت کشور را نه؛ رسانه‌هایی که روزی به‌عنوان معتبرترین منبع خبری می‌شناختیم، حالا چهار ماهی است که با تمام اعتبار و قوا پای میدان آمده‌اند و از انتشار اخبار دروغ و جعلی هم ابایی ندارند. رسانه‌هایی که به آرشیو خودشان خیانت می‌کنند! همان سی‌ان‌ان، فارن افرز، بی‌بی‌سی و... که اذعان داشتند به نقش سردار سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ با تروریسم و شکست حکومت داعش، حالا از تروریستی بودن سپاه می‌گویند. جنگ، جنگ رسانه‌هاست؛ جنگ روایت‌ها. میدانی که ما در آن ساکت هستیم.

سهل و ممتنع مثل راس مک‌الوی

یادداشت

محمد احسان مفیدی‌کیا
منتقد سینما

راس مک‌الوی (Ross McElwee)، مستندساز با تجربه و برجسته امریکایی، بیشتر به خاطر خود زندگینامه‌هایی (autobiography) که از خانواده و زندگی شخصی‌اش ساخته مشهور است، او در آثارش از یک ایده به ظاهر دم دستی آغاز می‌کند و مخاطب در انتهای فیلم درمی‌یابد که با یک مسأله عمیق سیاسی یا فلسفی مواجهه شده است. اگر نگاهی کوتاه به آثار او بیندازیم، درخواهیم یافت که این فرمول بر آنها حاکم است: ایده‌های ساده و دردسترس به‌علاوه یک تخیل فوق‌العاده قوی و مسأله‌مندی مستندساز، همواره منتج به تولید اثری قابل احترام خواهد شد.

اگر نوع نگاه مک‌الوی به جهان پیرامون خود را درک کنیم و سرمشق قرار دهیم، می‌فهمیم که بی‌نهایت سوژه در چندقدمی ما منتظر دیده و پرداخته‌شدن هستند. با شیوه اوست که ما بی‌شمار موضوع خواهیم داشت و همیشه می‌توانیم مستند بسازیم.

اما جان کلام مک‌الوی چیست؟ اگر مستندساز یک جهان‌بینی شخصی و نقطه عزیمت در دیدگاه خود داشته باشد، می‌تواند از معمولی‌ترین راش‌ها و حتی از خصوصی‌ترین ویدیوهای خانوادگی هم فیلم بسازد. اگر بگوییم که تفوق در چنین راهبردی ویژگی جناب مک‌الوی است خواهم گفت، بله، قطعاً کسی به غنای او در این شیوه نخواهد رسید، اما می‌شود راهکار او را پیش‌رو قرار داد و با شخصی‌سازی، آثاری خاص و منحصر به فرد تولید کرد. هر کسی باید به درک شخصی خود از جهان برسد و آن‌طور که جهان را می‌فهمد مستند بسازد، به بیان دیگر مستندساز می‌بایست خوانش خودش را از وقایع و رخدادها داشته باشد و بتواند از عینک خود به جهان عینی نظر اندازد و با رَنگ و رِنگ خودش آنچه دیده را برای دیگران روایت کند. بعد از آن چه باک از اینکه مثل راس مک‌الوی چنانکه باید مورد توجه جشنواره‌ها قرار نگیریم، اما یک جای مخصوص به خود در عالم مستندسازی داشته باشیم.

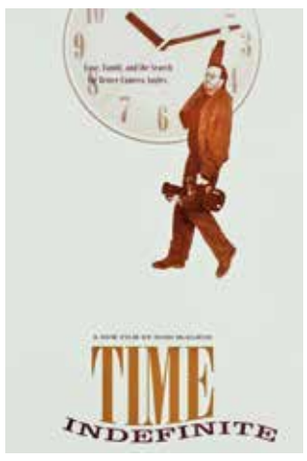

پیشنهاد ویژه نگارنده این است که مستندهای شاخص مک‌الوی را حتی اگر پیش از این دیده‌اید یک بار دیگر و از این زاویه نگاه کنید و ببینید که از دیدگاه او موضوعات چه فرم و شکلی دارند و بر آگاهی خود بیفزایید که آقای مستندساز در این فیلم‌ها تک‌نفره کار کرده و همه مسئولیت‌های گروه را تنهایی به عهده گرفته است. خود مک‌الوی به این اقرار دارد که تولید تک‌نفره (one man production) معایبی هم دارد اما مزایای این شیوه را بیشتر می‌داند. او می‌گوید: «من هروقت که بخواهم و البته بدون آنکه نیازی باشد دیگری را توجیه کنم سویه فیلم را تغییر می‌دهم. در شیوه تک نفره سرعت عمل فوق‌العاده بالا می‌رود، هرچند این روی کیفیت صدا و تصویر تأثیر می‌گذارد، اما در این روش سوژه‌ها بسیار راحت‌تر با فیلمساز رابطه برقرار می‌کنند.»

آثار شاخص راس مک‌الوی شارلین (Charleen)۱۹۸۰، رژه شرمن (Sherman's March)۱۹۸۶، زمان نامتناهی (۱۹۹۳) و اخبار ساعت (Six O'Clock News ۶)۱۹۹۷ است. هر کدام از این فیلم‌ها درباره شخصی‌ترین موضوعاتی است که کسی برای مستند ساختن می‌تواند سراغ آنها برود اما این درک شخصی مستندساز از وجوه مختلف زندگی است که موتور محرک او برای تولید آثاری چنین سهل و ممتنع می‌شود. همه اینهاست که راس مک‌الوی را خاص می‌کند و او با سه عنصر مهم ایده‌پردازی پویا، تخیل فعال و روایت شخصی، تبدیل به مستندسازی می‌شود که می‌تواند از موضوع به ظاهر کم اهمیت، یک مستند تأثیرگذار بسازد.

شهید لطیفی دیده بان بی‌نظیری بود

نگاه

مرتضی پارسائیان
همرزم شهید و عضوگروه دستمال‌سرخ‌ها

شهید اسدالله لطیفی معروف به میثم از رزمندگان جانباز غیور دفاع مقدس که هشت سال دلاوریهایش زبانزد رزمندگان است، صبح چهارشنبه ۱۶ آذرماه پس از تحمل سال‌ها درد و رنج حاصل از جراحات شدید به مقام شهادت نائل شد. به مناسبت چهلمین روز شهادت لطیفی که صبح پنجشنبه ۲۹ دی ماه در مؤسسه اطلاعات عملیات سپاه برگزار شد، مرتضی پارسائیان دوست و همرزم این شهید بزرگوار دریادداشتی نوشته است:

ما او را میثم صدا می‌کردیم. آشنایی ما در کردستان شروع شد از همان سرپل ذهاب تا گیلانغرب اوج کارمان با شهید لطیفی بود. خیلی کم حرف می‌زد و آرام بود. اما درونش غوغایی بود. تحمل برخی مسائل را نداشت. او با برادر شهیدم محمد حسین در منطقه چغالوند کار می‌کرد. دیده بان بی‌نظیری بود. در بین دیده‌بان‌های دیگر شهرت زیادی داشت. آنقدر دقیق گرا می‌داد که با دومین گلوله به هدف می‌خورد. در بحث تفحص شهدا در همان دوره جنگ از همه پردل و جرأت‌تر بود. تازه عراق با کمک منافقین از منطقه غرب عقب‌نشینی کرده و به سمت جنوب ایران نیروهایش را هدایت کرده بود که میثم کارش را در این منطقه شروع کرد. او نه تنها شهدای بسیاری را پیدا کرد بلکه با شهید کاظم کلهر و شهید عباس کلهر زحمات زیادی کشید و سلسله ارتفاعات گیلانغرب را تجهیز کرد و جبهه جدیدی به روی عراق ایجاد کرد و این کار هر کسی نبود. حتماً باید کار شناسایی می‌دانست و علم زیادی در جنگ می‌داشت که میثم را می‌شناخت. چقدر مهمات عراق جا گذاشت که با تویوتا جمع‌آوری کردیم.

یادم می‌آید وقتی عملیات مطلع الفجر شد خیلی از نیروهای ما مفقود شدند. در آن مقطع با میثم شروع کردیم به جمع‌آوری پیکر شهدا. با میثم رفتیم شناسایی منطقه در راه بازگشت به جنازه دو شهید برخوردیم میثم گفت من برمی‌گردم و جنازه‌ها را می‌آورم. برای خودش یلی بود. قد بلندی داشت. با ماشین برمی‌گشتیم که روی مین ضدتانک رفتیم. پای من مجروح شد ومرا به بیمارستان بردند. میثم و بقیه دوستان به ملاقاتم آمدند وبه شوخی گفتند ماشین نو را بردی داغون کردی. همان روز در مسیر بازگشت ماشین‌شان روی مین رفت و میثم و شهید حسن عسکری را به همان بیمارستانی که من بودم آوردند. هنوز پایمان در گچ بود با همان حالت رفتیم به منطقه. نکته مهم این است که میثم در تمام عملیات‌ها بود و اگر هر جا نبود یعنی مجروح شده بود و هنوز جراحتش کامل خوب نشده به منطقه بازمی‌گشت. یادم هست برادرم وقتی شهید شد جنازه‌اش در منطقه چرمیان ماند. او فرمانده عملیات بود. میثم می‌دانست جنازه‌اش کجاست. برایم جالب بود اصرار داشت با همان پای گچ گرفته برود از ارتفاعات جنازه را بیاورد. عراقی‌ها به جنازه شهدا هم رحم نداشتند. هر جنازه‌ای هم که پیدا می‌کردند پرت می‌کردند. اما میثم یک تنه می‌رفت و جنازه می‌آورد. چقدر در والفجر هشت شهدا را آورد. میثم بعد از جنگ هم آرام ننشست. به من زنگ می‌زد لباس و کفش جمع می‌کردم یا برنج ومواد غذایی و می‌برد به مناطق محروم می‌رساند. بماند که چقدر هم کمک دست سردار سلیمانی بود. چیزی که دل ما را بعد از شهادتش سوزاند مظلومیت میثم بود. وقتی جنازه میثم را در قبر گذاشتم کفنش کمی باز شد و کف پاهایی را که بارها مجروح شد دیدم. انگار با من حرف می‌زدند که شهادت بدهید این پاها چقدر زحمت این مملکت را کشیدند. سرش چقدر ترکش خورده بود واین بدن مجروح گواه هشت سال خدمت صادقانه به جبهه‌های جنگ و شهدا بود. روحش شاد و یادش گرامی.

یادم تو را فراموش!

یادداشت

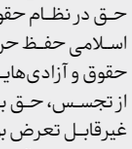

علیرضا اشتری رکن‌آبادی
کارشناس حقوق

احتمالاً برای شما هم پیش آمده که تصاویر، نوشتار یا اطلاعاتی از شما در فضای اینترنت اعم از موتورهای جست‌وجوگر و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده باشد که بعدها به هر دلیلی نسبت به اشتراک‌گذاری و بازانتشار آن رضایت نداشته باشید، راه‌حل رهایی از چنین وضعیتی در برخی نظام‌های حقوقی تحت عنوان «حق فراموش شدن یا حق بر فراموشی» پیش‌بینی شده است.

در روزهای اولیه پیدایش اینترنت، مردم به جزئیات فنی اشتراک‌گذاری اطلاعات اهمیت می‌دادند. اما در حال حاضر آنچه برای آنها اهمیت دارد چگونگی حذف اطلاعات است و اینکه چه قواعدی باید بر حذف اطلاعات حاکم باشد.

حق فراموش شدن یا حق بر فراموشی، مفهوم نسبتاً جدیدی است که در اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا مطرح شده است. این حق به اشخاص امکان درخواست حذف اطلاعات و داده‌هایی را می‌دهد که با رضایت آنها یا توسط اشخاص ثالث روی صفحه‌های اینترنت منتشر شده است؛ در نتیجه اِعمال این حق، دیگران نمی‌توانند آنها را از طریق نتایج موتورهای جست‌وجو مورد ردیابی قرار دهند و با گذشت زمان مورد برچسب‌های مختلف اجتماعی قرار نمی‌گیرند. حق فراموش‌شدن حق مطلقی نیست و باید در تعامل با سایر حقوق مثل حق آزادی بیان، مصالح عمومی، مالکیت معنوی و آزادی‌های رسانه‌ای در نظر گرفته شود. بنابراین با توجه به اوضاع و احوال خاص هر پرونده باید مشخص شود که آیا تقاضای حذف اطلاعات، موجه است یا خیر.

در مجموع آنچه برای ما حائزاهمیت است امکان سنجی به رسمیت شناختن و اجرای این حق در نظام حقوقی کشورمان است؛ از بعد فقه اسلامی حفظ حریم خصوصی افراد که در قالب حقوق و آزادی‌هایی مانند حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیرقابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت انسان، حفظ آبروی افراد، منع از تجسس در اسرار افراد، منع افشای اسرار و لزوم کتمان سر، مورد تأکید واقع شده که نشان‌گر حمایت نظام حقوقی اسلام از حقوق انسان‌ها و منع ورود ضرر به آنان است. در حقوق ایران نیز حریم خصوصی از اهمیت‌ویژه‌ای برخوردار است. به طور مثال در اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. همچنین به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی، (حیثیت اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تعیین می‌کند.» به نظر می‌رسد می‌توان از این اصل، مبنایی برای حق فراموش شدن یافت، چراکه برای مثال، شخصی را در نظر بگیریم که سال‌ها پیش مرتکب جرمی شده و اکنون زندگی جدید و شرافتمندانه‌ای را آغازکرده است؛ یا در مثالی دیگر فردی را تصور کنید که در برهه‌ای تصاویر و محتوایی ناخوشایند از خود انتشار داده و بعدتر با تغییر دیدگاه مایل به انتشار محتواهای پیشین خود نباشد، می‌توان گفت که از لوازم حفظ حیثیت این افراد، حق منع موتورهای جست‌وجو از انتشار اخبار و اطلاعات راجع به جرم یا محتواهای پیشین آنهاست.

با وجود آنچه گفته شد علی رغم ظرفیت موجود در مبانی فقهی و حقوقی جهت پذیرش این حق متأسفانه حق بر فراموش شدن در ادبیات حقوقی ما خیلی شناخته شده نیست. در حقوق ایران تاکنون قانون جامعی که در حوزه حمایت از داده‌های شخصی باشد، به تصویب نرسیده است که صراحتاً بخواهد حق بر فراموش شدن را مورد توجه قرار دهد. مهم‌ترین قوانین مرتبط در این حوزه، قانون تجارت الکترونیک، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و قانون جرایم رایانه‌ای است. در همین راستا شایسته است قانونگذار ما با تصویب قانون مستقل در این‌باره این حق را که مبتنی بر اصول حقوقی حاکم بر کشور است به وضوح به رسمیت بشناسد. البته نمی‌توان منکر اهمیت وجود زیرساخت‌های لازم برای اجرای این حق در ایران شد، اینکه آیا اِعمال این حق در بستر وب جهانی توسط محاکم ایران میسر است یا خیر، بزرگترین چالش پس از به رسمیت شناختن این حق است.

فضای مجازی

مطلبی خواندنی درباره زندگی بهزاد فراهانی به مناسبت فرارسیدن زادروز این هنرمند پیشکسوت، خبر افتتاح چند پردیس سینمایی تازه همزمان با آغاز چهل و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر و بازگشت دوباره «دیوید فینچر» کارگردان سرشناس جهان به عرصه سینما با فیلم «قاتل» بخشی از خبرهایی است که درباره آنها در مجازی امروز می‌خوانید.

■ **مطلبی خواندنی درباره بهزاد فراهانی**

موزه سینما به مناسبت فرارسیدن سالروز تولد بهزاد فراهانی بازیگر و کارگردان سینما، تئاتر و تلویزیون، بخشی از خاطرات این هنرمند را منتشر کرد. این هنرمند پیشکسوت در گفته‌های خود درباره روزگار کودکی‌اش نکات جالبی را با مخاطبان به اشتراک گذاشته، از جمله اینکه نام واقعی‌اش لطف‌الله درمنکی فراهانی است و اول بهمن ماه در روستای درمنک فراهان متولد شده است. بهزاد فراهانی گفته: «پدرم تعزیه‌خوان قابلی بود که تمام عمرش را به خاطر نذری که داشت در ده تعزیه می‌خواند. نخستین بار زمانی که در تعزیه شرکت کردم، پدرم نقش «حربن ریاحی» را می‌خواند و من پسر حر را می‌خواندم؛ سر یکی از بیت‌ها کمی لکنت پیدا کردم و وزن شعر را آنگونه که باید ادا نکردم. پدرم با خواب شمشیر بر کمرم کوبید به طوری که با دو دست به زمین خوردم؛ دوباره بلند شدم و پدرم از من خواست که بیت را دوباره بخوانم با اینکه بغض گلویم را گرفته بود اما بسیار خوب خواندم و زمانی که بیت شهادت پسر حر را خواندم، پدربزرگم از جایی که نشسته بود و تعزیه را نگاه می‌کرد گفت «دست مریزاد که از پدرت بهتر می‌خوانی» این لحظه برایم زیبا بود و احساس کردم که نگاه مردم دیگر برایم نگاه ترسناکی نیست بلکه نگاه گرم و مهربانی بود.» گفت‌وگویی که موزه سینما به این مناسبت بازنشر کرده به نقل از بهزاد فراهانی نکات جالبی را درباره زندگی‌اش شامل می‌شود، اینکه در چه خانواده‌ای متولد شده و در چه محیطی به دنیای هنر علاقه‌مند می‌شود و چگونه قدم به عرصه بازیگری می‌گذارد. مشروح این مصاحبه خواندنی در مهر نیز در دسترس است.

■ **خبر خوب برای سینمادوستان**

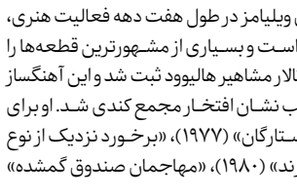

علاقه‌مندان سینما بزودی شاهد افتتاح سه پردیس جدید سینمایی جدید در استان تهران خواهند بود. بر این اساس امسال همزمان با برپایی چهل و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، برای اولین مرتبه در شهرهای پرند و قرچک جشنواره فیلم فجر برگزار خواهد شد و همزمان با این رویداد فرهنگی، پردیس‌های سینمایی این شهرها افتتاح خواهد شد. همچنین برای اولین بار پردیس سینمایی اطلس در منطقه یک تهران میزبان فیلم‌های جشنواره خواهد بود. بنا بر اعلام، سینماهای این دوره که در مناطق مختلف تهران جانمایی شده‌اند تا ۴ بهمن ماه اعلام می‌شوند. چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر ۱۲ تا ۲۲ بهمن ماه ۱۴۰۱ به دبیری مجتبی امینی برگزار می‌شود.

■ **بازگشت فینچر با قاتل**

دیوید فینچر کارگردان سرشناس سینما پاییز سال آینده با فیلم «قاتل» به چرخه اکران سینماهای جهان برمی‌گردد. این فیلم با بازی مایکل فاسبندر و تیلدا سوینتون ساخته شده و قرار است نوامبر ۲۰۲۳ به نمایش درآید. این کارگردان که برنده گلدن گلوب است و ۳ نامزدی اسکار در کارنامه دارد برای ساخت فیلم‌هایی چون «شبکه اجتماعی»، «منک»، «دختر گمشده»، «هفت» و «زودیاک» شناخته می‌شود. فینچر در «قاتل» با اندرو کوین واکر نویسنده «هفت» دوباره همکاری کرده است. واکر فیلمنامه فیلم‌های دیگری چون «گرگینه» و «اسلیپی هالو» را نوشته است. وی سازنده شماری از بزرگ‌ترین پروژه‌های نتفلیکس در دهه اخیر بوده که شامل «منک»، «عشق مرگ و روبات‌ها»، «خانه پوشالی» و «شکارچی ذهن» بوده است. فیلم «قاتل» با اقتباس از یک مجموعه رمان گرافیکی فرانسوی به قلم الکسیس نولنت با تصویرپردازی لوک جاکامون اقتباس شده که داستان قاتل بی‌نامی را روایت می‌کند که پس از سال‌ها بهترین بودن در کارش، دیگر نمی‌خواهد قاتل باشد اما باید جواب مشتری‌هایش را بدهد. این مجموعه از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ منتشر می‌شد. مایکل فاسبندر نامزد اسکار و گلدن گلوب که بازیگر فیلم‌هایی چون «مردان ایکس»، «۱۲ سال بردگی» و «استیو جابز» بوده در نقش قاتل ظاهر شده است. در مقطعی گفته می‌شد برد پیت قرار است در این نقش بازی کند.

■ **ساخت فیلمی از آهنگساز افسانه‌ای**

جان ویلیامز آهنگساز افسانه‌ای سینما سوژه یک مستند بلند شده، فیلمی که همکار قدیمی‌اش «استیون اسپیلبرگ» یکی از سازندگان آن خواهد بود. جان ویلیامز در طول هفت دهه فعالیت هنری، برای بیش از ۱۵۰ فیلم سینمایی مختلف آهنگسازی کرده است و بسیاری از مشهورترین قطعه‌ها را ساخته است. نام «جان ویلیامز» در سال ۲۰۰۰ میلادی در تالار مشاهیر هالیوود ثبت شد و این آهنگساز بنام موسیقی سینمای جهان در سال ۲۰۰۴ موفق به کسب نشان افتخار مجمع کندی شد. او برای «آواره‌ها» (۱۹۷۵)، «جنگ ستارگان» (۱۹۷۷)، «جنگ ستارگان» (۱۹۷۷)، «برخورد نزدیک از نوع سوم» (۱۹۷۸)، «سوپرمن» (۱۹۷۹)، «امپراطوری ضربه می‌زند» (۱۹۸۰)، «مهاجمان صندوق گمشده» (۱۹۸۱)، «ای.تی» (۱۹۸۲)، «فهرست شیندلر» (۱۹۹۳)، «نجات سرباز رایان» (۱۹۹۸)، «سرگذشت یک گیشا» (۲۰۰۷)، «دعایی برای صلح» (تمی از مونیخ) (۲۰۰۷) جایزه گرمی دریافت کرده است. ویلیامز با ۵۲ بار نامزدی دریافت جایزه اسکار بعد از والت دیزنی، دومین شخصیت تاریخ با بیشترین نامزدی اسکار است.

عکس نوشت

بارش برف در سراسر ایران در روزهای گذشته زمینه شادی و نشاط مردم را فراهم کرده است. ایرنا گزارش تصویری از پیست اسکی سخوید تنها پیست تفریحی گردشگری یزد واقع در شهرستان تفت منتشر کرده که با وجود فقدان هرگونه امکانات زیرساختی، سال‌هاست در فصول برفی میزبان تفریحات زمستانی شهروندان مناطق مختلف یزد است.